

دو هفته نو پیشه = ♠



هنوز تب نکرده‌ایم

یک: دیشب دور اول بازی‌های مرحله مقدماتی جام ۲۰۱۰ به اتمام رسید و همه تیم‌ها دست‌کم یک بازی کردند و آفریقای جنوبی و آروگوئه، بازی دوم را هم از سر گذراندند. اما به نسبت جام‌های اخیر، شور و انرژی منتقل شده از مسابقات به تماشاگران‌ش در سراسر جهان، کمتر از آن بود که تا پیش از جام انتظارش را می‌کشیدیم. دلایلی مانند «محک» زدن یکدیگر و شناخت تقریبی دو تیم دیگر در بازی‌شان مقابل هم، یا اینکه آب و هوای آفریقای جنوبی به عنوان کشور در نیمه کره زیرین استوا که این روزها دارد پاییزش را می‌گذراند (و برای همین، دیدن دستکش و زیرپوش یقناد بازیکنان برزیل و شلوار گرمکن بلند دروازه‌بان سانج می‌توانست برای ما که در این گرما سر می‌کنیم، تعجب‌آور باشد) بهانه‌های پدی نیستند و بارها از سبوی گزارشگران و به اصطلاح «کارشناسان» تلویزیون مطرح شده‌اند. اما به نظر دلیل اصلی‌تر را باید در «بیزا» نداشتن فعلی تیم‌ها به اینکه خودشان را به آب و آتش بزنند، جست‌وجو کرد. وقتی بازی‌ها به دور سوم این مرحله برسد یعنی به دور بازی دو هفته بعد بازیکنان برزیل و شلوار گرمکن بلند دروازه‌بان ساحل عاج می‌توانست هر کدام از آنها مشخص کند، خواهیم دید همین برزیل خونسرد که می‌کوشید از آن همه دوندگی و پاس‌های بلند ماهرانه و گاه حملات خطرآفرین کره شمالی جان‌بخورد، همین آرژانتین که با نبمی از توانش بازی کرد و قناعت‌گرانه برد تا انرژی‌اش را برای بازی‌های مهم‌تر نگه دارد، همین یونان که خیلی گرمق‌ننان می‌داد و به نظر می‌رسید اگر یک کود دلفیهٔ دیگر هم فرصت می‌داشت، نمی‌توانستند دو گل خوددهانش از کره جنوبی را جبران کنند، همین دانمارک که زودتر از حد تصور پذیرفت که زورش به هلند نمی‌رسد و همین پرتغال که انگار نام و نشان و نیروی نفی‌ناپذیر ساحل عاج و مربیان و بازیکنان بزرگش را نمی‌شناخت و از آن برتری تیم آفریقای در اغلب دقیقای بازی به ویژه در یک ربع آخر، به شلادت جا خورده بود، بطور حواس‌شان را جمع می‌کنند و بطور به هر دری می‌زنند تا صعودشان را مسجل کنند. این «به هر دری رزن» را تیم‌هایی که رنگ خطر را در همین بازی اول شنیدند (مثل ایتالیا و صربستان که از حریف نه چندان طراز اول‌شان عقب افتادند و جان‌کندند تا جبران کنند، که اولی یعنی اتزوری عزیز ما با مقادیری خوش‌قبالی و البته سختکوشی و لُش‌کشی توانست دومی یعنی صربستان خوش‌فریحه، نتوانست) یا تیم‌هایی که از آغاز می‌دانستند ممکن است جایگاه آرمانی‌شان به همان صعود به یک هشتم محدود شود (مثل کره جنوبی، ژاپن و غنا) تجربه کردند. نیاز به تنهایی برای انگیزه کافی داشتن مهم نیست، «حساس نیاز» است که فهم و تبدیل فهم به حرکت را پدید می‌آورد. سعدی می‌فرمود «قدر عافیت کسی داند که به مصیبت گرفتار آید». ما ایتالیایی‌ها که به شکلی قابل پیش‌بینی از آغاز به مصیبت دچار بودیم، این را خوب می‌دانیم!

دو: مثل بسیاری از شما معتقدم در مجموعه اولین بازی‌های همه تیم‌ها در جام آفریقای جنوبی، بازی اول روز سوم یعنی مسابقه صربستان و غنا از گروه D، تا اینجا بهترین بازی جام بوده. شور و طراوت جاری در بازی هر دو تیم، سرعت به گردش درآوردن توپ، خود این فالگنکی‌ها که روی کاغذ به این بازی توجه چندانی نمی‌کردیم و حتی شاید مثل بازی‌های بیرق و بی‌هیجان این دور (تا اوج را به یاد دارم، در قعر تمام‌شان، اسلونیوی و الجزایر) از آن رو می‌گردانیدیم، همه از دلایل این جذابیت هستند. تردیدی نیست که دوست نداریم این وضعیت برقرار و متداوم بماند و حتی بعد از طی شدن دور دوم و سوم بازی‌های این مرحله، همچنان در این فقر بازی‌های پرتحرک پایاپای، از خاطره بازی غنا و صربستان بیاد کنیم؛ و تصور هم نمی‌کنم این وضعیت ادامه پیدا کند. از خروس‌های شل و وارفته این دوره (درست مثل ۲۰۰۲) ایی گرم نمی‌شود که به بازی امشب فرانسه – مکزیک دل ببندیم. ولی آرژانتین-کره جنوبی امشب و آلمان- صربستان فردا، برای تعیین تکلیف دست‌کم یکی از دو تیم صعودکننده گروه‌های B و D به شدت کلدی و برخوردار از احتمال جذابیت افزون‌ترند.

گزارشی

بلیت بوشهر در جیب استیلی

«حمید استیلی فصل بعدی لیگ برتر فوتبال ایران را روی نیمکت شاهین بوشهر سپری می‌کند؟» پیگیری لحظه به لحظه خبرهای «بیروز حاکی از این مساله است که باید یک «بلاغت» و محکم در پاسخ به سوال بالا داد و منتظر ماند و دید که سرمربی فصل پیش استیل آذین در بوشهر چه گلی به سر شاهین می‌زند. همچنین آنچه اعضای هیات‌مدیره و به خصوص سخنگوی باشگاه بوشهری در گفت‌وگو با خبرنگاران عنوان کرده‌اند، می‌تواند به خبر نخست که در بازار شایعات تلوتلو می‌خورد، قطعی‌بخشد. ظاهراً دو طرف از خیلی وقت پیش حرف‌هایشان را با هم زده‌اند، سنگ‌هایشان را واکنده‌اند و فقط مانده امضای قرارداد نهایی. حرف‌های علی حق‌پرست سخنگوی شاهین بوشهر مساله را به خوبی روشن می‌کند: «با حمید استیلی به توافق نهایی رسیده‌ایم اما هنوز قراردادی امضا نکرده‌ایم. با این حال به احتمال ۹۵ درصد استیلی سرمربی تیم ما در فصل آینده است. اگر ایشان امشب یا فردا صبح به بوشهر بیایند قراردادشان با باشگاه امضا می‌شود و در آن صورت به طور رسمی سرمربی شاهین خواهند شد.» سخنگوی شاهین بوشهر در جای دیگری و به یک خبرگزاری دیگر می‌گوید: «عصر سه‌شنبه توافقات نهایی با حمید استیلی سرمربی و مربی سابق تیم‌های استیل آذین و پرسپولیس صورت گرفت و او رسماً به عنوان سرمربی شاهین در فصل جدید انتخاب شد. استیلی امشب به بوشهر می‌آید تا ضمن امضای قرارداد نهایی برنامه تمرینی خود را نیز ارائه کند.» پیگیری‌های اصحاب رسانه و تماس‌های تلفنی با مدیرعامل باشگاه شاهین کم تنها یک نتیجه دارد. تگنگانی می‌گوید: «تنها مساله‌ای را که می‌توانم تأیید کنم مذاکره باشگاه با حمید استیلی است.» اما چه چیزی شاهینی‌ها را به همکاری با حمید استیلی علاقه‌مند کرده است؟ این پاسخ سخنگوی باشگاه به سوال شماسات: «استیلی چه در زمان بازی و چه در زمان مربیگری از سابقه خوب و مناسبی برخوردار است و ما امیدواریم با او به شایعین به هدف اصلی باشگاه که همان تداوم در فوتبال است، برسد.» بالا و پایین کردن خبرها جزئیات دیگری را مشخص می‌کند. اگر استیلی بتواند بلیت پرواز به بوشهر را بخرد، آخرین مرحله از مذاکرات هم به خوبی و خوشی طی شود و استیلی برای فصل بعد کارت مربیگری شاهین را از سازمان لیگ دریافت کند، به احتمال بسیار زیاد حشمت‌خان مهاجرانی نیز همراه او روانه بوشهر خواهد شد. از او به عنوان مدیر فنی آینده شاهین نام می‌برند، اما قطعی شدن این سمت به حصول توافق نهایی در مذاکره با مدیرعامل باشگاه بستگی دارد. پیش از این شاهینی‌ها از توافق نهایی با پرویز مظلومی خبر داده بودند اما این مربی روز به روز به یکباره سر از تهران درآورد و هدایت استقلال توفان‌زده را بر عهده گرفت. کیلومترها این طرف‌تر در قزوین هم خبرهایی است. پیکان همچنان بی‌مربی مانده و می‌گویند مسوولان این تیم گزینده‌ای جدی‌تر از محمد احمدزاده ندارند. خود او در این باره می‌گوید: «با باشگاه پیکان برای سرمربیگری این تیم صحبت کردم اما هنوز قراردادی نیست‌ه‌ایم. در این مورد باید تصمیمی دوجانبه گرفته شود و مطمئناً تصمیم‌گیری درست زمان می‌برد. من نظر خود را تا چند روز آینده و پس از بررسی جوانب مختلف اعلام می‌کنم.»

گزارشی

انتخابات فدراسیون شطرنج هم حرف و حدیث‌دار شد

تغییر زمان برگزاری انتخابات فدراسیون شطرنج به ضرر عده‌ای از کاندیداهای ریاست این فدراسیون تمام شد. در ابتدا قرار بود انتخابات فدراسیون شطرنج در آذرماه سال ۸۸ برگزار شود اما مسوولان جدید سازمان تربیت بدنی تصمیم گرفتند زمان برگزاری مجمع این فدراسیون را به همراه هشت فدراسیون دیگر به سال ۸۹ موکول کنند. در شرایطی که در مجموع ۱۱ نماینده برای احراز پست ریاست فدراسیون شطرنج ثبت‌نام کرده بودند و رزومه کاری خود را به سازمان ورزش ارائه داده بودند تا صلاحیت آنها برای کسب صندلی ریاست این فدراسیون بررسی شود اما در کمال تعجب از این جمع تنها ثبت‌نام محمدجعفر کامیوزیا سرپرست فعلی فدراسیون و امیراسماعیل رضوان‌فر مورد قبول سازمان‌ها قرار گرفت. گویا قفسیه از این قرار بوده که با موکول شدن زمان مجمع به سال جاری نماینده‌ها باید دوباره رزومه خود را تحویل سازمان می‌دادند. ظاهراً از نظر مسوولان سازمان تربیت بدنی با ابطال شدن زمان اولیه مجمع، آنها باید خود را دوباره به سازمان‌ها معرفی می‌کردند. در شرایطی که انتخابات این فدراسیون قرار است روز شنبه ۲۹ خردادماه برگزار شود، منوچهر جفره یکی از نامزدهای کسب صندلی ریاست فدراسیون که جز ۹ کاندیدای ردملاحیت‌شده بود، این‌طور می‌گوید: متأسفانه مسوولان سازمان تربیت بدنی بدون هیچ اطلاع قبلی ما را ردملاحیت کردند. آخر مگر هر نماینده‌ای چند بار باید سوابق کاری خود را تحویل سازمان ورزش بدهد.

گزارشی آخر

گزارشی ملگنی

گزارش شاهکار فردوسی‌پور در بازی کره شمالی و برزیل

علیه جهل و تظاهر

چه چیزی گزارش فردوسی‌پور از بازی کره شمالی و برزیل را از همه گزارش‌های اعصاب خردکنی که در شب‌های قبل شنیده بودیم متمایز کرد؟ در شب‌های گذشته جمله‌های جواد خیابانی به سرانجام نمی‌رسید، ناچار می‌شد جمله دیگری باز کند تا جمله نیمه‌کاره قبلی به سرانجام برسد که آن هم نمی‌شد. در نیمه دوم بیشتر از آنکه خستگی به قول خودش در ساق بازیکنان نمایان شود نفس گزارشگر به شماره می‌افتد و تپ‌ها بیشتر می‌شود. پیمان یوسفی عملاً از گزارش بازی ناتوان است. آنچه او پشت میکروفن می‌گوید هیچ‌گاه به بازی متصل نمی‌شود. در حقیقت شبه‌گزارش او روخوانی است بی‌موقع و ملال‌آور از سوابق و اطلاعات به درد نخور درباره بازیکنان و تیم‌ها. یک متن متعلقانه درباره بزرگان و ستاره‌ها. اما آنچه گزارش سه‌شنبه شب فردوسی‌پور را از زیباترین بازی جام برزسته می‌کند توجه به فهم بنیادی‌ترین تقابلی است که در مسابقه اتفاق می‌افتد. گزارش فوتبال از حیث نسبت قوی که با روایت دارد در پی یا مامور کشف، برجسته‌سازی و تدقیق تقابل بنیادین بر رویارویی است. مسابقه فوتبال یک رویارویی بین دو نیروی متخاصم است که در قالب دو تیم پیکربندی می‌شود اما برای بیننده در همین سطح متوقف نمی‌شود. بیننده و مخاطب فوتبال بنابر آشنایی خود با تاریخ و سنت این رشته ورزشی به پیش‌پنداشت‌هایی درباره هر بازی می‌چیزد، وظیفه گزارشگر این است که مفیدترین، عمومی‌ترین و کاراترین پیش‌پنداشت‌ها را به‌نجوی در گزارش خود لحاظ کند. گزارشگر یا روزنامه‌نگار ورزشی باید وهله‌ای را که رویارویی اصلی صورت می‌پذیرد دریافت و فهم کند، یعنی

برزیل سرزمین خوندنمای است. این کشور با فوتبال، کارناوال، مجسمه غول‌پیکر مسیح در ساحل ریودوژانیرو و سپرمدل‌هایش شناخته می‌شود. فوتبال برزیل بدون آنکه بخواهم در اثنائویسی و پرگویی‌های مرسوم در این باب سهمی بر عهده بگیرم مصداق قیق خوندنمایی است. در حقیقت برزیل عشوهرگانه جهان را تشویق می‌کند بدون خجالت به او خیره شود. ظاهراً چیزی برای پوشاندن و پنهان کردن وجود ندارد. (می‌دانیم که روی دیگر سکه؛ فقر و فساد و نکبت عموماً نادیده انگاشته می‌شود) در مقابل کره شمالی است؛ حقیقی‌ترین مصداق قیض انزوا و محرومیت. غریبه و ناشناخته.

اولین شگفتی جام

وقتی هیئتسافل شد خاص آقای

تیمی که زیباترین فوتبال دنیا را به نمایش می‌گذاشت اسبیر بی‌عدالتی فوتبال شد!ا تیم فوتبال اسپانیا به رغم بازی یک‌طرفه‌اش برابر سوئیس به این تیم باحت شد تا اولین شگفتی جام رقم بخورد. شاگردان دل بوسکه باید برای صعود به دور بعد هر دو بازی آینده‌شان برابر شیلی و هندوراس را ببرند و امیدوار بمانند که سوئیس حداقل در یک بازی بازنده باشد چرا که اگر اسپانیا در گروه H دوم و برزیل در گروه G اول شود آنگاه ماتادورها باید در دور بعد به مصاف پرافتخارترین تیم دنیای بودند؛ چیزی که برزیلی‌ها می‌خواهند و نه اسپانیایی‌ها!

■ شرح بازی

تیم فوتبال اسپانیا با شروع بازی به سنت همیشگی‌اش رو آورد و با پاس‌های کوتاه بسیار مالکیت توپ و زمین را در اختیار گرفت. پاس‌های عرضی اسپانیایی‌ها فقط در پشت محوطه جریمه سوئیس رد و بدل شد و سوئیس‌ها اجازه ورود توپ به محوطه جریمه خودی را هرگز ندادند. تنها موقعیت به نسبت خطرناکی که اسپانیا روی دروازه سوئیس ایجاد کرد حرکت جرارد پیکه در دقیقه ۲۴ بود که ضربه او را بانگلیو (دروازه‌بان سوئیس) دفع کرد. حملات اسپانیا در نیمه اول با

سال پنجم ■ شماره ۹۹۰ ■ پنجشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۹

کشمکش واقعی و زیرین که در پس کشمکش‌های مقطعی و سطحی جریان دارد. به جز فردوسی‌پور یک گزارشگر دیگر با تیم بدون خلاقیتی که در استودیو برای تحلیل بازی می‌نشینند این بازی را احتمالاً به رویایی فقیر و غنی، معروف‌ها و گمنام‌ها یا عباراتی از این دست که البته کم و بیش قابل پذیرش است تعبیر می‌کنند. ممکن است کلیشه «قیمت یک بازیکن برزیل برابر تمام تیم کره‌شمالی است» به کرات تکرار شود. بازی یکه کره شمالی و برزیل اما دربردارنده کشمکش و رویارویی دیگری بود که به درستی توسط فردوسی‌پور رمزگشایی و آشکار شد. در آنجا که می‌دانم فردوسی‌پور طرفدار برزیل نیست، آنچه باعث می‌شود او این بازی را گزارش کند (حدس می‌زنم یا اینکه ذکاوت آقای ذکاپی تهیه‌کننده برنامه بوده است، البته اگر او به عنوان گوینده خبر ورزشی به یاد بیاورد فرض دوم درجا منتفی می‌شود) دریافت همین کشمکش ژورنالیستی و بی‌مانند بازی است: انزوا علیه خوندنمایی.

فوتبال، کارناوال، مجسمه غول‌پیکر مسیح در ساحل ریودوژانیرو و سپرمدل‌هایش شناخته می‌شود. فوتبال برزیل بدون آنکه بخواهم در اثنائویسی و پرگویی‌های مرسوم در این باب سهمی بر عهده بگیرم مصداق قیق خوندنمایی است. در حقیقت فوتبال کره شمالی با کره جنوبی (انگار بگویی دست راست شبیه دست چپ است) و سرعت و قدرت بدنی انگشت می‌گذارند. کره شمالی نه یک تیم سرعتی، نه یک تیم از شرق آسیا و نه تیمی که بر اثر ناتوانی ما به جام جهانی رفته است بلکه به معنای دقیق کلمه تیمی است از منزوی‌ترین کشور جهان که به شکلی خاص خود را برای رویارویی با مجموعه‌ای از خوندنمای‌های رنگارنگ جهان آزاد آماده کرده است. (یا درست‌تر بی‌اعتنا به همه چیز و همه کس برای گل زدن و برنده شدن تمرین کرده است) به همین خاطر است که در سیمای بازیکنان و مربیان این تیم فهمی از حساسیت و قدرت تیم مقابل نمی‌بینیم. آنها به مسابقه فوتبال، به اینکه توپ باید بگردد و وارد دروازه حریف شود، فکر می‌کنند و به مفاهیم براسخته جهان مدرن و رسانه‌ها، رنگینک‌ها



موقعیت مناسب داوید ویا (دقیقه ۴۳) می‌توانست به ثمر بنشیند اما بی‌دقتی مهاجم جدید بارسا در زدن ضربه آخر باعث شد تا این موقعیت هم از دست برود.

■ نیمه دوم

با شروع نیمه دوم اسپانیایی‌ها حملات خود را پرادمنه‌تر و تا حدود زیادی موقعیت‌آفرینی کردند، اما زمانی که ماتادورها آهسته‌آهسته راه دروازه سوئیس را پیدا کرده بودند اتفاق نادری افتاد. بازیکنان سوئیس با ضربه بلند دروازه‌بان‌شان به یکباره به حمله رفتند و روی استیانه مدافعان حریف و البته خوش‌شانسی سوئیس‌ها، جنسون فرناندس در دقیقه ۵۲ اولین گل بازی را به ثمر رساند. پس از این گل بود که اسپانیا دوباره حاکم مطلق بازی شد و به موقعیت‌آفرینی رو آورد. اولین شوتی از پشت محوطه جریمه به وجود آورد که توپ او با اختلاف اندکی به بیرون رفت. پس از این موقعیت اسپانیا تقریباً هر دو دقیقه یک بار موقعیت گل ایجاد کرد. ضربه تورس (دقیقه ۶۸)، شوت آلونسو (دقیقه ۷۰)، حرکت ناواس (دقیقه ۷۲)، شوت ناواس (دقیقه ۷۸) و موقعیت‌های بی‌شمار پنج دقیقه‌انتهای بازی، یکی‌یکی هدر

بد بازی کردن کاکا، مایکون و دیگران نبود، بلکه بی‌اعتنایی کره شمالی به هنجارها و پیش‌فرض‌های پذیرفته‌شده تمام جهان بود. آن وقت در بین دو نیمه مرتضی محمض کارشناس بازی بدون توجه با درک وضعیت واقعی به صورت مکانیکی درباره ارنج تیم برزیل و علل ناکامی آنها صحبت کرد و آن دیگری صدر هم لکچر کوتاه و بی‌مناسبتی درباره نبود تکنیک در تیم فعلی برزیل ایراد کرد. خصلت عالی دیگری که در گزارش سه‌شنبه‌شب فردوسی‌پور بروز کرد هم مثل اول نتیجه واکنش و آنسی و صحیح او به وضعیت بوده، یعنی مرزبندی با گفته‌های کارشناسان. فردوسی‌پور بر شوت منجر به گل مایکون که به قصد سانتر کردن زده شده بود چندین بار تأکید کرد. در حقیقت همین کار راه را بر کارشناسانی که خودشان را برای ستایش‌های مبالغه‌آمیز از زیبایی این شوت آماده کرده بودند، بست. همچنین در صحنه‌ای که کاکا پشت محوطه جریمه کره شمالی به زمین افتاد و داور خطا اعلام کرد، فردوسی‌پور بدون آنکه مدام در پی استعلام از کارشناس داوری باشد و نظرش را نکوید، بارها تأکید کرد هیچ خطایی اتفاق نیفتاده است. چالش فردوسی‌پور (هرچند در مناسبات حرفه‌ای کتمان شود) با حضارن در استودیو آشکار است. او در گزارش عالی سازی کره شمالی و برزیل خود را از انفعال معمول گزارشگر ایرانی نجات داد و به مرحله یک کشگر فعال رسید. اولاً رویارویی حقیقی بازی را آشکار کرد که در آن محتوایی سیاسی نیز نهفته بود (نه آن حرف‌های کلیشه‌ای درباره فقیر و غنی، بلکه چیزی حقیقتاً سیاسی) و دوم آنکه در مقابل جهل و تظاهری که در شیوه اجرای برنامه و مهمانانش نهادینه شده واکنش نشان داد. در حقیقت در مورد تمام موارد مناقشه‌برانگیز بازی و نظیر واقعی خود را که مبتنی بر مشاهداتش بود، اعلام کرد و چیزی را محافظه‌کارانه ناکفته نگذاشت که به معنای تأیید نظر کارشناسان باشد.

بی‌اعتنایند. در حقیقت رتبه‌بندی‌ای را که در آن ۱۰۴ پله با برزیل نفاوت دارند اصلاً نمی‌فهمند و درک نمی‌کنند. فردوسی‌پور روی این تقابل انگشت می‌گذارد. به همین خاطر است که رُست تکراری دیگر مجریان در حمایت از تیم‌های آسیایی را به کار نبرد. در حالی که واقعی‌ترین و صادقانه‌ترین واکنشی این رویارویی می‌کند. اطلاعات کوتاه و حصادات است، مجریان و گزارشگران تلویزیون (انگار مدیران پروژه موفقیت و پیشرفت فوتبال آسیا باشند) همیشه برخورد دیپلماتیک بیهوده‌ای با این وضعیت دارند. اما فردوسی‌پور در کار گزارش واقعیت بازی و رخداد حقیقی و عیان بود که گفت: «اگر کره شمالی گل برزه هم بد نیست.» این بیان انرژی واقعی بود که در بازی وجود داشت و اشاره به وضعیتی که می‌تواند ایستن کشمکش‌ها و عوامل جذابیت‌افزای بیشتری شود. این عدول از جایگاه بی‌طرف گزارشگر نیست بلکه اتفاقاً شیطنت مجاز و مشروعی است که به تماشاگر برای تماشای ادامه بازی و فهم آنچه در جریان است، کمک می‌کند. مثل موارد دیگری که فردوسی‌پور سعی کرد ادامه جریان بازی را بر اساس شکل‌های سستنی پیش‌بینی کند. مثلاً حدس زد بازی ممکن است از آن بازی‌هایی شود که ماشین برزیل بعد از زدن یک گل به کار بیفتد. در حقیقت مساله اصلی بازی در نیمه اول اصلاً گل زدن و گره خوردن بازی برزیل نبود. برزیل خوندما همین خاطر است که در سیمای بازیکنان و مربیان کره شمالی نامرئی شده بود. در کره شمالی چیزی زخم، نخراشیده و غیرقابل تغییر بود که رنگ خوندنمای برزیل بر آن اثر نمی‌کرد. این خاصیت با بازی کیفی اتو ره‌گل متفاوت بود. مساله حتی



گذشت تا پس از ۱۶ ژوئن ۱۹۶۲ بالاخره طعم برد در جام جهانی را بجشد. آنها حالا باید برای صعود با اسپانیا و سوئیس مبارزه سختی داشته باشند.

■ خوب نبود

دور اول بازی‌های گروهی به پایان رسید. در بازی اول تیم‌ها چند نکته غیرقابل باور و البته غیرجذاب نیز رقم خورد؛ اولین مورد تعداد گل‌های به ثمر رسیده بود. دومین مورد علاقه شدید تیم‌ها به کارهای تدافعی و سومین مورد ناکامی تیم‌های مدعی (به غیر از آلمان) بود. همه این موارد دست به دست هم داد تا جام تا به اینجا چنگی به دل نزنند.

گزارشی

علل تأخیر در اعلام نتیجه رسمی

برای این تأخیر و فرسایشی شدن موضوع پرونده علی‌حسینی چند مورد عقلی مفروض است؛ اول اینکه دریافت مبلغ ۵۰۰ هزار دلار جریمه از ایران، یکی از اولویت‌های اصلی فدراسیون بین‌المللی است و آنها حاضرند هرگونه همکاری را انجام دهند تا ایران نسبت به این موضوع رنجیده‌خاطر نشود و همچنان به پرداخت تسهیلات داشته باشند. دومین موضوع این است که علی‌حسینی ورزشکار کوچکی نیست و افکار عمومی در ایران نسبت به این موضوع حساس هستند. فدراسیون بین‌المللی نیز به هیچ وجه نمی‌خواهد با اعلام یکباره این خبر نظرات منفی افکار عمومی را نسبت به خود برانگیزد. این‌مساله تبعات منفی به همراه خواهد داشت. سومین موضوع این است که فدراسیون بین‌المللی با این رفتار و حقیقت‌های پیاپی و اعلام نکردن نام علی‌حسینی به صورت رسمی می‌خواهد به صورت عملی نشان دهد که همکاری‌های لازم را برای پرونده علی‌حسینی انجام داده و جا را برای انتقادها باز نگذارد. نکته آخر و قابل تامل، انتخابات قریب‌الوقوع فدراسیون وزنه‌برداری ایران است. مشخص شدن موضوع پرونده علی‌حسینی، فارغ از هر نتیجه‌ای که خواهد داشت در این انتخابات تأثیرگذار است و مسوولان فدراسیون وزنه‌برداری حاضرند همه تلاش خود را انجام دهند تا اعلام رسمی محرومیت علی‌حسینی به پس از انتخابات موکول شود.

ماتادورها سرانجام بازنده باشند. در جبهه مقابل هم اوتمار هیتسفلد تیشم را با سیستم ۱-۵-۴ وارد زمین کرده بود. او به خوبی به بازیکنانش تأکید کرده بود که آنها نیازی به توپ ندارند. در واقع سوئیس توپ را به اسپانیا داد و فضا را از آن گرفت. در نهایت تمرکز بالای مدافعان و هافبک‌های هیتسفلد به داد این تیم رسید و سوئیس پس از ۱۸ بار ناکامی برابر اسپانیا بالاخره طعم برد برابر این حریف را چشید.

■ شیلی هندوراس را برد

در دیگر بازی گروه H هم شیلی در یک بازی برتر با تک گل «سرخپو مندوزا» از سد هندوراس

است و او می‌تواند به صورت حقوقی شکایت کند و به اثبات برساند که فرد یا گروهی از روی عمد به او دارو خوراندند که اثبات این موضوع نیز بسیار سخت خواهد بود. نه این فرد می‌خواست که نامش فاش شود و نه فرد ایرانی که با او سخن گفته. تنها نکته مهم در این میان گفته می‌شود متأسفانه مسوولان فدراسیون جهانی و فدراسیون ایران در حال وارونه جلوه دادن واقعیت و فرسایشی کردن موضوع پرونده هستند تا اندکاندک خبر این موضوع را به صورت رسمی اعلام کنند.

بنا بر عقیده کارشناسان حتی اگر گفته‌های این عضو ارشد فدراسیون بین‌المللی درست نباشد، نمایندگان ایران در این نشست کار شاقی کرده‌اند و حرکت رو به جلویی انجام نداده است. بنابر قواعد و قوانین، باید در این نشست نتیجه کار مشخص می‌شد و نمایندگان ایران نیز می‌توانستند پس از صدور حکم نسبت به آن استیناف کنند و درخواست تجدیدنظر بدهند. به احتمال قریب به وقوع نیز چنین اتفاقی افتاده و پرونده علی‌حسینی به استیناف رفته است. این نه‌تنها دستاورد بزرگی نیست بلکه یک روند قانونی است که اتفاق افتاده. به نظر این کارشناسان به احتمال فراوان نتیجه فرجام‌خواهی دست و پا شکسته ایران منفی است و در بار خود حکم محرومیت علی‌حسینی به صورت رسمی اعلام خواهد شد.

تجدید داوری در پرونده‌ای مشابه آنچه در مورد سعید علی‌حسینی وجود دارد، موافقت می‌کند و این نشانه مثبت همه ما را امیدوار کرده که بتوانیم در این فرصت دوباره رایزنی‌های بهتر و موثرتری را برای رفع محرومیت مادام‌العمر وزنه‌بردار خوب کشورمان داشته باشیم.»

ص‌دور حکم محرومیت مادام‌العمر

در این شرایط که نبمی از نمایندگان فدراسیون وزنه‌برداری (چراکه قرار بود دکتر شریف نیز از ایران در نشست بلغارستان حاضر شود) به دلایل نامعلوم از رفتن به بلغارستان سر باز زد، برای دفاع از موضوع دویپنگ علی‌حسینی به بلغارستان رفته و در نشست دادرسی شرکت کرده و این‌گونه نتیجه کار نهایی پرونده سعید علی‌حسینی تعیین کرده و اعضای ارشد فدراسیون بین‌المللی تأیید کرده‌اند. این موضوع به صورت دوستانه با یکی از دست‌اندرکاران رسانه‌ای ورزش ایران در گفت‌وگو بود، خبر از لایه‌های پنهان پس از صدور حکم نسبت به آن استیناف کنند و در مسائل پشت پرده فدراسیون وزنه‌برداری داد. مسائلی که او پس از تماس‌های رسمی خبرنگار «شرق» حاضر به تأیید و تکرار آنها نبود. این خبر ارشد فدراسیون بین‌المللی وزنه‌برداری در حرف‌های دوستانه‌اش گفته بود پرونده علی‌حسینی بسته شده و این موضوع به هیچ وجه دیگر در دستور کار فدراسیون بین‌المللی نیست. او اعلام کرده بود حکم محرومیت علی‌حسینی اعلام شده و وجود دارد اما مدام‌العمر محروم است؛ تنها یک راه برای او باقی